

مقابله با خشونت خانگی علیه زنان در رویه قضایی دادگاه حقوق بشر اروپا

امیررضا محمودی^۱، سیده مهشید میری بالاجورشری^۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

چکیده

خشونت خانگی علیه زنان یک پدیده جهانی است. که به‌طور سنتی یک موضوع حقوق بشری تلقی نمی‌شود، در نتیجه تلاش‌های فعالان حقوق بشر، جنبش‌های زنان و دانشگاهیان فعال در این زمینه وارد دستور کار سازمان ملل شده است. با توصیه عمومی شماره ۱۹ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، برای اولین بار به‌عنوان نوعی تبعیض بر اساس جنسیت پذیرفته شد و در سیستم رفع تبعیض علیه زنان ادغام شد که البته به‌صراحت خشونت علیه زنان را مورد پذیرش قرار نمی‌داد. سرانجام دولت‌ها موظف به مبارزه با خشونت علیه زنان شده‌اند که به‌عنوان نوعی تبعیض بر اساس جنسیت در حقوق بین‌الملل حقوق بشر پذیرفته شده است، خواه در حوزه خصوصی باشد یا حوزه عمومی. مطابق با این تعهدات، دولت‌ها موظف به حمایت از قربانیان خشونت و مجازات مرتکب است، بلکه باید ریشه‌ها و علل خشونت را نیز از بین ببرد. نتایج به‌دست آمده از مطالعه خشونت خانگی علیه زنان در چارچوب تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپا این است که آرای دادگاه حقوق بشر اروپا این شکل از خشونت را با احکام حقوق بشر اروپایی ناسازگار می‌داند و دولت‌های عضو را ملزم کرده تعهداتی را در راستای منع خشونت علیه زنان در دستور کار قرار دهند.

واژگان کلیدی: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، خشونت، خشونت خانگی، دیوان حقوق بشر اروپا

^۱ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، گیلان.

Amirreza.mahmodi@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان. گیلان

mohadesehghavamipour@gmail.com

مقدمه

خشونت علیه زنان پدیده‌ای بسیار رایج است که در سراسر جهان دیده می‌شود و می‌تواند منجر به عواقب بسیار جدی و حتی مرگ شود (world Health organisation, 2009, p.55). خشونت علیه زنان به‌طور کلی و خشونت خانگی علیه زنان به‌طور خاص ابزاری است که برای سرکوب زنان استفاده می‌شود و ناشی از کلیشه‌های جنسیتی غالب و الگوهای مداوم است. خشونت خانگی علیه زنان به‌طور سنتی برای کنترل زنان در خانه به‌ویژه خانواری که نقش زنان در آن غالب است، استفاده می‌شود (coomaraswamy, 1996, p.27).

در این مقاله، پدیده خشونت علیه زنان و خشونت خانگی که یکی از رایج‌ترین اشکال خشونت علیه زنان است، در چارچوب نظارت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. همچنین نوع، ماهیت و شکل مبارزه با این پدیده و همسویی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و همپوشانی قوانین بین‌المللی در راستای مقابله با این نوع خشونت علیه زنان بررسی خواهد شد. از این رو، در این پژوهش خشونت خانگی علیه زنان به‌ویژه از نظر تعریف، اشکال و تعهدات دولت با در نظر گرفتن پیشینه حقوق بین‌الملل حقوق بشر بررسی می‌شود.

در مقاله‌ای با عنوان:

"Psychological intimate partner violence against women in the European Union: A cross national invariance study"^۱

که در مجله "BMC Public Health" چاپ شده، نویسندگان به دنبال مطالعه راه‌های پیشگیری از خشونت روانی شریک جنسی علیه زنان با رویکرد مقررات اتحادیه اروپا بودند. چون رویکرد مقاله مذکور بر مبنای مطالعه مقررات اتحادیه اروپا در زمینه کنترل و مقابله با خشونت روانی شریک جنسی علیه زنان است و در این رابطه موردی به‌صورت رویه قضایی محاکم بررسی نشده، لذا با توجه به اینکه در مقاله حاضر تحلیل مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قابل خشونت خانگی علیه زنان با رویکرد مطالعاتی رویه قضایی دیوان حقوق بشر اروپا است، می‌تواند از این جنبه دارای نوآوری باشد.

مقاله حاضر از چهار قسمت تشکیل شده است؛ در قسمت اول به پدیده خشونت

۱. Martin, Gracia, Lila, 2019, pp.1739-1755

علیه زنان، تعریف و اشکال آن می‌پردازد. در قسمت دوم خشونت خانگی علیه زنان، تعریف و اشکال آن بررسی شده، در قسمت سوم به رویه قضایی دیوان حقوق بشر اروپایی در قبال مقابله با خشونت خانگی علیه زنان پرداخته می‌شود و نمونه‌هایی از دعاوی مطروحه و آرای صادره از دیوان باخوانی و بررسی می‌شود و در قسمت چهارم هم تعهدات دولت‌های عضو در قبال خشونت خانگی علیه زنان بر اساس رهنمودهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد بحث و تدقیق قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم خشونت علیه زنان و اشکال آن

به رسمیت شناختن خشونت علیه زنان به‌عنوان یک موضوع حقوق بشری و ناقض قوانین فراملی حقوق بشر نتیجه یک فرایند طولانی بوده است. هنگامی که اسناد حقوق بشر بررسی می‌گردد، مشاهده می‌شود که اسناد حقوق بشر با اتخاذ مقوله‌های موضوعی به‌عنوان «همه» یا «هیچ‌کس»، به دارا بودن حقوق زنان و مردان اشاره دارد (Meyersefeld, 2010, pp.24-26). خشونت علیه زنان به‌طور خاص در این اسناد خنثی جنسیتی تنظیم‌نشده است (Van leeuwen, 2010, pp.108-115)، به‌طوری که رویه قضایی نهادهای نظارتی و سازمان دهندگان حقوق در قالب کنوانسیون‌های حقوق بشر، خشونت علیه زنان را به‌عنوان پدیده‌ای پذیرفته‌اند که ناقض حقوق بشر در کنوانسیون‌های مذکور است. در واقع هنگامی که به اسناد بین‌المللی ویژه اختصاص یافته به حقوق زنان نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در مورد پدیده خشونت علیه زنان حکم روشنی ندارد. با این حال، این شکاف با دو توصیه عمومی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان که به‌طور خاص به موضوع خشونت علیه زنان می‌پردازد، پر شده است.

اولین مورد از این توصیه‌های عمومی توصیه عمومی شماره ۱۲ است که بیان می‌کند که در کلیه اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان که در خانواده، محل کار یا سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی مطابق با مواد ۲، ۵، ۱۱، ۱۲ و ۱۶ صورت می‌گیرد، زنان باید مورد حمایت قرار گیرند. در توصیه عمومی شماره ۱۹ که بسیار جامع‌تر از توصیه عمومی شماره ۱۲ است، «خشونت مبتنی بر جنسیت» برای اولین بار به‌عنوان نوعی تبعیض تعیین شد که مانع از برخورداری زنان از حقوق و آزادی‌ها بر اساس برابری با مردان می‌شود (General Recommendation No.19: Violence against women). تفسیر شده است که تعریف تبعیض در ماده ۱ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه

زنان شامل خشونت مبتنی بر جنسیت است (اشراقی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰) و خشونت مبتنی بر جنسیت شامل اعمالی است علیه زن به دلیل زن بودن که به طور نامتناسبی بر زنان تأثیر می‌گذارد و باعث آسیب جسمی، روانی یا جنسی می‌شود (اعزاز، ۱۳۸۳، ص ۶۷). تهدید به ارتکاب چنین اعمالی به‌عنوان خشونتی تعریف شده است که شامل اجبار و سلب آزادی می‌شود (Meyersfeld, 2010, p.37)؛ بنابراین با ایجاد ارتباط روشن بین خشونت علیه زنان و تبعیض علیه زنان، پذیرفته شده است که خشونت علیه زنان نتیجه تبعیض علیه زنان است. بدین ترتیب رویکردی مبتنی بر حقوق در مورد خشونت علیه زنان اتخاذ شده است.

اعلامیه رفع خشونت علیه زنان که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در روند پیروی از توصیه‌های عمومی کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان به تصویب رسید، خشونت علیه زنان را نوعی تبعیض توصیف می‌کند (سالاری فر، ۱۳۸۸، ص ۲۱) و اذعان می‌کند که این پدیده‌ای است که مقررات مربوطه را نقض می‌کند که در ماده ۱ با عنوان «خشونت علیه زنان» مورد شناسایی قرار گرفته است؛ بنابراین خشونت علیه زنان خشونت مبتنی بر جنسیت است که به‌صورت واقعی یا احتمالی منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی برای زنان می‌شود.

پس از تعریف اصطلاح خشونت علیه زنان، اشکال این خشونت، زمینه‌های وقوع و مرتکبان آن در ماده ۲ تنظیم شده است (Yükselbaba, 2012, p.53). بر این اساس، اصطلاح «خشونت علیه زنان» همه اشکال خشونت فیزیکی، جنسی و روانی را در برمی‌گیرد. این اشکال خشونت می‌تواند در حوزه خصوصی مانند درون خانواده، خانه و همچنین در حوزه عمومی مانند محل کار یا مؤسسات آموزشی رخ دهد. بدین ترتیب مرتکب/ مرتکبان این اشکال خشونت ممکن است خانواده و سایر اشخاص حقوق خصوصی و همچنین خود دولت باشد.

خشونت علیه زنان، صرف‌نظر از اینکه در حوزه خصوصی یا عمومی انجام شود، یک موضوع حقوق بشری تلقی شده و دولت‌ها موظف به مبارزه با آن شده‌اند (صادقی فسایی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹). در چارچوب حقوق بشر که بر اساس مسئولیت عمودی بنا شده است، قاعده‌تاً امکان پذیرفتن مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بشر توسط اشخاص حقوق خصوصی وجود نداشت (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۴۶)؛ با این حال، از طریق دکترین تعهدات مثبت و عملکرد افقی، چتر حمایتی حقوق بشر توانسته به حوزه خصوصی نیز

گسترش یابد و مبارزه با خشونت علیه زنان به عرصه‌ای تبدیل شده که بر دوگانگی حوزه خصوصی - عمومی غلبه می‌کند (Arslan öncü, 2011, p.137). خشونت علیه زنان به‌عنوان نوعی تبعیض بر اساس جنسیت شناخته شده است.

۲. خشونت خانگی علیه زنان و برخی از مشکلات مربوط

به‌طور سنتی خانه به‌عنوان یک مکان امن و ضامن روابط بین اعضای خانواده همواره قابل احترام قلمداد شده است. همچنین از نظر تاریخی، خشونت خانگی به‌عنوان یک موضوع خصوصی طبقه‌بندی شده و پذیرفته شده است که دولت‌ها نباید در آن دخالت داشته باشند (Vojdik, 2007, p.491). با این حال، بیشتر جنایات علیه زنان در خانه اتفاق می‌افتد و مرتکبان معمولاً همسران یا سایر اقوام مرد هستند. علاوه بر این، خشونت خانگی علیه زنان پدیده‌ای جهانی است که در همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها دیده می‌شود (Thomas, 1995, pp.1127-1129).

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی شماره ۱۹ خود اعلام کرد که خشونت خانگی موزیانه‌ترین شکل خشونت علیه زنان است و در همه جوامع دیده می‌شود (General Recommendation No.19). خشونت خانگی یکی از رایج‌ترین اشکال خشونت علیه زنان است که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی سعی در پیشگیری و مقابله با آن را داشته و دارند.

در ادامه به مشکلاتی از قبیل مشکل ترمینولوژی، مشکل مفهوم، مشکل در تعیین اصطلاح خانواده و مشکل تعارض با حقوق فاعل خشونت پرداخته خواهد شد؛ این مشکلات تا قبل از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برطرف نشده بود و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رفع این مشکلات کمک فراوانی کرد.

۲-۱. مشکل ترمینولوژی

مناسب است که مطالعه خشونت خانگی علیه زنان در چارچوب قوانین فراملی حقوق بشر با موضوع اصطلاحات آغاز شود. هیچ نوع همسانی در استفاده از اصطلاحات انگلیسی مربوط به خشونت خانگی علیه زنان در قوانین فراملی حقوق بشر نیست و چیزی به نام «خشونت خانگی علیه زنان»، «خشونت علیه زنان در خانواده» و «خشونت درون خانوادگی علیه زنان» وجود ندارد. مشاهده می‌شود که برای توصیف اشکال

خشونت خانگی علیه زنان از اصطلاحاتی مانند «خشونت شریک جنسی علیه زنان» یا «خشونت شریک صمیمی علیه زنان» استفاده شده است. به عنوان مثال، کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در مشاهدات نهایی خود در مورد گزارش‌های ارائه شده، چندین اشاره به خشونت «خانواده»، «خانوادگی» و «شریک به شریک زندگی» کرده و آن‌ها را به جای یکدیگر به کار برده است (Freeman, Chinkin, Rudolf, 2012, pp.454-455). مجدداً در مطالعه خشونت علیه زنان که توسط دبیرخانه سازمان ملل تهیه شده، خشونت خانگی علیه زنان شامل مددکاران شاغل در خانه تعریف شده و هیچ تمایزی بین «خانگی» و «خانوادگی» قائل نشده است (United Nations Publication, 2006, pp.42-43).

در توصیه سال ۲۰۰۲ که توسط کمیته وزرای شورای اروپا تصویب شد، بیان شد که خشونت در خانواده یا خانه شامل این نوع از خشونت‌ها است: تجاوز جسمی و روانی، آزار عاطفی و روانی، تجاوز جنسی و آزار جنسی، زنا با محارم، اعمال عادی یا سنتی که برای زنان مضر است مانند تجاوز جنسی، جنایات به نام ناموس، ختنه زنان و ازدواج اجباری. در ماده ۳/ب کنوانسیون استانبول، «خشونت خانگی» به خشونتی گفته می‌شود که در خانه یا خانواده رخ می‌دهد، بنابراین تمایز بین خانه و خانواده را محو می‌کند.

۲-۲. مشکل مفهوم

در مورد مفهوم خشونت خانگی علیه زنان می‌توان به توصیه عمومی شماره ۱۹ کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان اشاره کرد که بیان می‌کند: در زمینه خشونت خانگی، زنان از همه گروه‌های سنی در خانواده در معرض ضرب و شتم، تجاوز جنسی و انواع دیگر خشونت قرار دارند. تجاوز جنسی و خشونت روانی در نتیجه نگرش‌های سنتی صورت می‌گیرد (General Recommendation No.19). در واقع این کمیته به این نکته توجه کرده است که بسیاری از زنانی که استقلال اقتصادی ندارند، مجبور به ادامه رابطه با خشونت هستند و اظهار داشته که خشونت خانگی سلامت زنان را به خطر می‌اندازد و آن‌ها را از مشارکت برابر با مردان در زندگی خانوادگی و عمومی بازمی‌دارد.

در مطالعه خشونت علیه زنان که توسط دبیر کل سازمان ملل تهیه شده است، اشکال خشونت خانگی علیه زنان عبارت‌اند از ضرب و شتم، اعمال خشونت‌آمیز، تجاوز ناشویی، خشونت جنسی، خشونت مربوط به جهیزیه، قتل دختران، سوءاستفاده جنسی

از دختران در خانواده، ختنه زنان، ازدواج زیر سن قانونی، ازدواج اجباری، خشونت علیه مددکاران خانگی و سایر اشکال استثمار که شمارش شده است (Ending Violence against Women From Words to Action, Study of the Secretary, 2006, pp.42-43). کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی خود به شماره ۱۴۳۳، ختنه زنان را یک عمل سنتی مضر برای سلامت زنان توصیف کرده و اقدامات لازم جهت منع آن را توصیه کرده است (General Recommendation No.14: Female circumcision). در گزارش تهیه شده توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان و علل و پیامدهای آن، این خشونت خشونت است که در حوزه خصوصی بین افرادی که از طریق رابطه نزدیک، خون یا قانون با یکدیگر مرتبط هستند، رخ می‌دهد (Opuz, 2009, p.132). در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد اقدامات زیر از جمله خشونت‌های خانگی ذکر شده است: تجاوز جنسی، زنا با محارم، فحش‌های اجباری توسط اعضای خانواده، سقط‌جنین و ختنه زنان. در زمینه خشونت خانگی، تجاوز جنسی، آزار جنسی، قاچاق زنان و روسپیگری اجباری از جمله اعمال خشونت‌آمیز هستند که هرزه‌نگاری محسوب می‌شوند (Coomaraswamy, 1996, p.23-27). اشکال خشونت ناشی از دولت شامل خشونت در بازداشت، خشونت در درگیری‌های مسلحانه، خشونت علیه پناهندگان و آوارگان داخلی و خشونت علیه اعضای اقلیت‌ها است (Ertürk, 2009, p.31). همچنین در رویه قضایی تشکیل شده توسط دادگاه حقوق بشر اروپایی در محور پرونده‌های خشونت علیه زنان، تعریفی از خشونت علیه زنان به‌طور عام و خشونت خانگی به‌طور خاص وجود ندارد. با این حال، اتحادیه اروپا خشونت خانگی را یک مشکل عمومی می‌داند که مربوط به همه دولت‌های عضو آن است. در واقع اتحادیه اروپا توجه را به این واقعیت جلب کرد که این نوع خشونت به دلیل اینکه در روابط شخصی و در محافل بسته رخ می‌دهد، غالباً آشکار نمی‌شود.

۲-۳. مشکل در تعیین اصطلاح خانواده

تعریف مفهوم «خانواده» از منظر خشونت خانگی علیه زنان نیز موضوع مهمی است. در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مفهوم خانواده به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است که نه تنها وحدت شکل یافته حول نهاد ازدواج، بلکه مشارکت‌های زندگی خارج از ازدواج را نیز پوشش می‌دهد؛ بنابراین دامنه حمایت از زنان در برابر

خشونت و مسئولیت دولت در این راستا را گسترش می‌دهد، زیرا در ماده ۲ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، خشونت بین کسانی که خارج از ازدواج باهم زندگی می‌کنند نیز در زمره خشونت‌هایی قرار می‌گیرد که در خانواده صورت می‌گیرد. این رویکرد توسط کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در توصیه عمومی شماره ۲۱ در سال ۱۹۹۴ با عنوان «برابری در ازدواج و روابط خانوادگی» اتخاذ شده است (CEDAW General Recommendation No. 21)؛ یعنی پس از بیان اینکه مفهوم خانواده و انواع آن ممکن است از محلی به محل دیگر متفاوت باشد، اعلام می‌شود که باید بر اساس برابری در خانواده با زنان رفتار کرد.

مفهوم «خانواده» در ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی که حقوق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی را تنظیم می‌کند، توسط دیوان اروپایی حقوق بشر به‌طور مستقل تفسیر شده است. بر اساس این کنوانسیون، وجود زندگی خانوادگی یک امر واقعی است و منوط به وجود روابط شخصی نزدیک در عمل است. طبق این کنوانسیون، خانواده می‌تواند شامل روابط خانوادگی واقعی باشد که در آن زوجین خارج از ازدواج زندگی می‌کنند و نیز روابط مبتنی بر ازدواج. هنگام تعیین اینکه آیا زندگی خارج از ازدواج به معنای «خانواده» به معنای ماده ۸ است، معیارهای زیر در نظر گرفته شده:

- اول، آیا زن و مرد باهم زندگی می‌کنند؟
- دوم، مدت زمان رابطه آن‌ها؛
- سوم، آیا تعهد خود را نسبت به یکدیگر، مثلاً با بچه‌دار شدن، نشان می‌دهند یا نه؟

قابل ذکر است که در مفهوم ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، آمیزش جنسی نیز به‌منزله زندگی خانوادگی است و اتخاذ یک تعریف ذهنی به‌جای تعریف عینی از مفهوم خانواده در مبارزه با پدیده خشونت خانگی علیه زنان مؤثرتر و مرتبط‌تر می‌باشد. دیوان حقوق بشر اروپایی مفهوم خانواده را به‌گونه‌ای انعطاف‌پذیر در راستای این هدف تفسیر کرده است (Judgment of the ECtHR of 20 March 1997, paragraph 36). در این چارچوب، نهادی که در آن افراد درگیر خود را به‌عنوان یک خانواده احساس می‌کنند و روابط شخصی نزدیک حفظ می‌شود، می‌تواند به‌عنوان یک خانواده تعریف شود (Judgment of the ECHR of 22 July 2010, para.30). به این ترتیب، همسران،

شرکای زندگی، همسران سابق، شرکای سابق، خواهران، دختران، اقوام زن و دستیاران زن در خانواده را می‌توان در چارچوب مفهوم خانواده ارزیابی کرد.

۲-۴. مشکل تعارض با حقوق فاعل خشونت

در مسیر مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان، امنیت جسمی و روانی زنان همواره با حقوق آزادی مرتکبان خشونت در تعارض است (Communication No. 2/2003)؛ به عبارتی، جهت حمایت از تمامیت جسمانی و روانی زنان در قبال خشونت خانگی، مراجع ذیصلاح باید اقداماتی را در محدود کردن آزادی مرتکبان خشونت خانگی صورت دهند. لذا همواره این مسئله مطرح است که آیا با صرف ادعا می‌توان چنین قراردادهای محدودکننده‌ای علیه فاعلان خشونت خانگی صادر کرد یا نه؟

برای پاسخ به این مشکل با مراجعه به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر درمی‌یابیم که دیوان همواره جانب قربانیان خشونت را گرفته است، به طوری که در دعوی مجارستان (که در قسمت آتی بحث خواهد شد) دیوان اعلام کرده است که حق زندگی زنان و حق تمامیت جسمی و روانی آنها نمی‌تواند با حقوقی مانند حق مالکیت و حریم خصوصی نادیده گرفته شود. یا در دعوی اتریش (که در قسمت آتی بحث خواهد شد) بار دیگر دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید کرد که حقوق مرتکبان خشونت خانگی نمی‌تواند بر حق زندگی زنان و حق آنها برای یکپارچگی جسمی و روانی غلبه کند.

دادگاه حقوق بشر اروپا با اشاره به این تصمیمات در رویه قضایی خود دریافته است که حقوق مرتکب نمی‌تواند بر حق زندگی قربانی و حق تمامیت جسمی و روحی در موارد خشونت خانگی برتری داشته باشد (صفاری نیا، ۱۳۹۸، ص ۸۶۴). دیوان با اشاره به اینکه حق تمامیت جسمانی قربانی خشونت با حق آزادی مرتکب به‌ویژه در تصمیمات بازدارنده در تعارض است، اظهار داشته است که این تعهد کشورهای عضو است که دستورهای بازدارنده را بدون تأخیر صادر کنند تا محافظت از زنان در برابر خشونت خانگی به شکل کامل صورت بگیرد.

۳- رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد خشونت خانگی

دیوان اروپایی حقوق بشر خشونت خانگی را عملی می‌داند که با مواد خاصی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تداخل دارد. با تحلیل رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق

بشر مشاهده می‌شود که ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حقوق زندگی افراد را تنظیم می‌کند، ماده ۳ منع شکنجه است، ماده ۸ حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی است که از تمامیت جسمی و روانی افراد محافظت می‌کند و مواد ۱۳ و ۱۴ منع تبعیض علیه زنان را مورد شناسایی قرار می‌دهد. دیوان اروپایی حقوق بشر در رابطه با حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مواردی را مورد بحث و بررسی قرار داده و اشخاص حقیقی می‌توانند در این دیوان مستقیماً اقامه دعوا کنند. پرونده‌هایی که درباره آن‌ها بحث و بررسی شده و منجر به صدور رأی گردیده یکی از روبه‌های قضایی نوین و کاربردی در رابطه با منع خشونت علیه زنان است که محققان بسیاری را برای تحقیق جذب خود کرده است.

۳-۱. بررسی آرای صادر شده از دیوان راجع به خشونت علیه زنان

در پرونده اسلواکی^۱ متقاضی زنی است که از سوی همسرش مورد خشونت جسمی و روانی قرار گرفته و هر دو فرزند متقاضی قربانی خشونت خانگی شده‌اند و زنجیره سهل‌انگاری در قوانین داخلی منجر به کشته شدن این دو کودک توسط پدرشان شده است (Judgment of the ECtHR of 31 May 2007, 7-14). صرف‌نظر از اینکه مرتکب خشونت شخص حقوقی حقوق خصوصی است، دادگاه با رد ادعای دولت اسلواکی مبنی بر اینکه این دولت مطابق استانداردهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که حق حیات را صرفاً تنظیم قاعده‌مند می‌کند و الزامی به حفاظت فیزیکی از جان اشخاص ندارد و متقاضی طبق قوانین داخلی مستحق دریافت خسارات غیرمادی نیست، حکم داد که نقض ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی که حق استفاده از حقوق مؤثر داخلی است، در رابطه با قضیه صورت گرفته و دولت اسلواکی مسئول است (Judgment of the ECtHR of 31 May 2007, 46-55, 59-65). همچنین در این رأی وقوع خشونت خانگی به‌طور واضح تأیید شده است.

در پرونده بلغارستان^۲ متقاضیان یک زن و پسر خردسال او هستند. ادعاهای مطرح شده توسط زن در رابطه با خود به اشکال خشونت روانی، جسمی و اقتصادی از جمله استفاده از الفاظ توهین‌آمیز همسرش علیه وی، ضرب‌وشتم و مشارکت ندادن در بودجه

^۱. Kontrova v. Slovakia

^۲. Bevacqua and S. v. Bulgaria

خانواده مربوط می‌شود (Judgment of the ECtHR of 12 June 2008, 7, 54, 65, 79, 82, 84). دادگاه اروپایی حقوق بشر بررسی خود را در چارچوب حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی انجام داد و اظهار داشت که این حق شامل حق حمایت از تمامیت جسمی و روحی افراد و سایر منافع قانونی است. دادگاه اعلام کرد که مقامات بلغارستان تعهدات مثبت دولت عضو طبق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده‌اند، زیرا ادعاهای متقاضی در مورد شوهرش در حقوق داخلی به درستی برآورده نشده و مورد حمایت قرار نگرفته است (Judgment of the ECtHR of 12 June 2008, 83). لازم است تأکید شود که یکی از ادله مورد استفاده بلغارستان در این پرونده این است که موضوع پرونده، یعنی خشونت متقاضی توسط همسرش، یک امر خصوصی است. دادگاه اروپایی حقوق بشر به هیچ وجه این استدلال را نپذیرفت و اعلام کرد که چنین استدلالی با تعهدات کشورهای عضو طبق ماده ۸ مغایرت دارد و بدین ترتیب مقامات بلغارستان را مسئول دانست.

یکی دیگر از موارد خشونت خانگی پرونده برانکو توماشیچ^۱ است که قربانیان آن نوزاد و زنی بودند که نوزاد توسط پدرش و زن توسط شوهرش کشته شده‌اند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در بررسی ماهوی خود اعلام کرد که ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که حق حیات را مورد شناسایی قرار می‌دهد، بیان کرده است که دولت‌های عضو موظف به حمایت از جان افراد در برابر اعمال مجرمانه سایر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی هستند. دادگاه تصمیم گرفت که نقض ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این دلیل که مقامات کرواسی به تعهدات خود در پرونده حاضر عمل نکرده‌اند، صورت گرفته است (Judgment of the ECtHR of 15 January 2009, 29, 50-51, 61). بنابراین در این پرونده مقامات کرواسی مسئول دانسته شدند.

یکی دیگر از پرونده‌های خشونت خانگی که توسط دادگاه حقوق بشر اروپا درباره آن تصمیم‌گیری شده پرونده ترکیه^۲ است که ترکیه مخاطب آن می‌باشد. در پرونده مورد بحث، متقاضی زنی است که سال‌ها به همراه مادرش مورد خشونت خانگی شوهرش قرار گرفته است. متقاضی و مادرش بارها مورد خشونت و تهدید شریک زندگی خود قرار گرفته‌اند و او شکایات متعددی را نزد مقامات کشور ترکیه تسلیم کرده است، اما

^۱. Branko Tomasic

^۲. Opuz v. Turkey

رسیدگی نکردن مسئولان به شکایات مورد نظر با جدیت لازم و یکسری سهل‌انگاری‌ها زمینه را برای قتل مادر زن توسط شوهر فراهم کرده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر نقض ماده ۲ را که حق حیات را در زمینه قتل مادر متقاضی شناسایی می‌کند و نقض ماده ۳ را که منع شکنجه و بدرفتاری را به دلیل کوتاهی مقامات برای محافظت از زن در برابر خشونت شوهرش مشخص می‌کند، مورد حکم قرارداد (Judgment of the ECtHR of 9 June 2009, 199-200). آنچه در این پرونده قابل توجه می‌باشد این است که برای اولین بار در یک پرونده خشونت خانگی، دادگاه حقوق بشر اروپا نقض ماده ۱۴ را که منع تبعیض را شناسایی می‌کند، در ارتباط با مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تشخیص داده است. دادگاه حقوق بشر اروپا خاطرنشان کرد که داده‌های آماری ارائه شده توسط متقاضی که دولت خوانده اعتراضی به آن نداشته است، نشان می‌دهد که خشونت خانگی بیشتر زنان را در ترکیه تحت تأثیر قرار می‌دهد و انفعال عمومی و تبعیض آمیز قوه قضاییه فضایی را ایجاد می‌کند که منجر به ادامه زندگی خانگی زنان تحت خشونت می‌شود. دادگاه اعلام کرد که نقض ماده ۱۴ در ارتباط با مواد ۲ و ۳ وجود داشته که بیان می‌کند خشونت تحمل شده توسط متقاضی و مادرش جنسیتی بوده است و خشونت مبتنی بر جنسیت نوعی تبعیض علیه زنان است.

دعوی دیگری که دولت اسلواکی مخاطب آن قرار داده شده به تقاضای یک مادر و سه فرزند او مطرح شده است.^۱ مادری پس از ترک همسرش، شکایتی را به مقامات اسلواکی ارائه کرد و مدعی شد که شوهرش او را تهدید کرده و یکی از دخترانش را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده است. او از دادگاه محل درخواست صدور دستور اخراج شوهرش از منزلی را که باهم زندگی می‌کردند مطرح کرد، اما این درخواست به دلیل اینکه دادگاه اختیار محدود کردن حق استفاده از اموال را نسبت به هیچ شخصی ندارد، از سوی دادگاه محلی رد شد. با تصویب قانونی جدید، تصمیم احتیاطی مبنی بر اخراج شوهر از محل سکونت گرفته شد، ولی شوهر منزل را ترک نکرد، یعنی حکم اجرا نشد. به همین دلیل مادر مجبور شد که محل زندگی جدیدی برای خود و فرزندانش تهیه کند که به این ترتیب از خانواده و دوستان خود دور ماند و فرزندانش به دلیل تغییر محل سکونت، مجبور به تغییر مدرسه شدند. در این پرونده دادگاه حقوق بشر اروپا اعلام کرده که مواد ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض شده است (Judgment of the

^۱. E.S. and Others v. Slovakia

(ECtHR of 15.09.2009). زیرا شوهر از خانه خارج نشده و به قربانیان جبران خسارت لازم ارائه نشده است.

در پرونده کرواسی^۱ متقاضی زنی است که به مدت سه سال مورد خشونت و تهدید شوهرش قرار گرفته است. به دنبال تهدیدهای مداوم شوهرش علیه او، متقاضی در پناهگاهی که توسط یک سازمان غیردولتی اداره می‌شود، ساکن شده است. پس از طرح شکایت در محاکم کرواسی و انجام برخی اقدامات از سوی محاکم داخلی، در نتیجه معاینات روان‌پزشکی شوهر متقاضی، مشخص شد که وی دارای برخی اختلالات روانی است. متقاضی در دادگاه اروپایی حقوق بشر نقض مواد ۲، ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مدعی شد، به طوری که دولت مخاطب از حمایت کافی برای وی کوتاهی کرده است؛ اما دادگاه رسیدگی خود را به ماده ۸ محدود کرد و خاطر نشان کرد که در مورد تهدیدات و خشونت‌های شوهر، تعقیب قضایی آغاز گردید و اقداماتی مانند بازداشت، معالجه روانی و تعلیق از سوی مراجع داخلی نیز در این زمینه اتخاذ شد، اما به دلیل آنکه برخی از آن‌ها هرگز اجرا نشده، بنابراین دیوان اعلام کرد که نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صورت گرفته است (Judgment of the ECtHR of 14.10.2010, 77-78, 80). یعنی حمایت از تمامیت جسمی و روانی افراد رعایت نشده است.

در پرونده اسلواکی^۲ - یکی دیگر از پرونده‌های مربوط به خشونت خانگی علیه زنان - متقاضی زنی است که مورد حملات لفظی و فیزیکی شوهرش قرار گرفته و مدعی شده است که مقامات داخلی قادر به محافظت از او در برابر خشونت همسرش نیستند. خواهان مدعی شده که علی‌رغم نظر کارشناسی ارائه شده به دادگاه داخلی مبنی بر اینکه شوهرش دارای اختلال روان‌پزشکی است و نیاز به درمان دارد، به دلیل اینکه تصمیمی برای بستری شدن در مؤسسات روان‌پزشکی گرفته نشده، همچنان مورد تهدید همسرش قرار قرار می‌گیرد (Judgment of the ECtHR of 30 November 2010, 43-52). دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که تصمیم دادگاه داخلی مبنی بر قرار ندادن شوهر متقاضی در یک مؤسسه روان‌پزشکی مغایر با تعهدات مثبت آن بر اساس ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است؛ یعنی نقض ماده ۸ کنوانسیون

^۱. A. v. Croatia

^۲. Hajduova v. Slovakia

صورت گرفته است.

مورد دیگر در مورد خشونت خانگی علیه زنان دعوی مجارستان^۱ است. در پرونده مذکور متقاضی زنی است که توسط نامزدش مورد خشونت لفظی و فیزیکی قرار گرفته و نامزدش علی‌رغم درخواست متقاضی، به زندگی خود در منزل ادامه داده است. پس از کش‌وقوس‌های فراوان، یک سال و نیم طول کشیده تا متقاضی علیه نامزدش از مراجع داخلی قرار مجرمیت بگیرد. متقاضی نقض مواد ۲، ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مدعی شد، اما دیوان بررسی خود را به ماده ۸ محدود کرد. دادگاه اعلام کرد که چنین تصمیماتی باید بدون تأخیر اتخاذ شود تا از زنان در برابر خشونت محافظت شود و به این نتیجه رسید که ماده ۸ به دلایلی نقض شده است که دولت متبوع به تعهد خود عمل نکرده است (Judgment of the ECtHR of 24 April 2012, 63-64, 69-70). دادگاه خاطرنشان کرد که تمامیت جسمانی قربانی با حق آزادی متهم در تعارض است.

اقدامات فرهنگی و سنتی مضر برای زنان نیز می‌تواند در محدوده خشونت خانگی علیه زنان در نظر گرفته شود. تا آنجا که مشخص است، ختنه زنان یکی از این اعمال است و تاکنون در دو مورد به دادگاه حقوق بشر اروپا رسیده است. مورد اول پرونده‌ای علیه ایرلند است که متقاضیان یک مادر و دو دختر او هستند.^۲ مادر متقاضی ادعا می‌کند که پس از مرگ دختر بزرگش بر اثر خونریزی ناشی از ختنه زنان، از نیجریه به ایرلند مهاجرت کرده است تا از دو دختر دیگر خود در برابر این عمل غیر فرهنگی در نیجریه محافظت کند. با این حال، هنگامی که درخواست پناهندگی آن‌ها توسط دولت ایرلند رد شد، آن‌ها ادعا کردند که ایرلند ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده است با این استدلال که هر دو دختر در صورت اخراج از ایرلند، با خطر ختنه جنسی در نیجریه مواجه خواهند شد. دادگاه حقوق بشر اروپا این پرونده را غیرقابل قبول اعلام کرد و اظهار داشت که مادر متقاضی و همسرش با اشاره به موقعیت‌های ممتاز مالی و اجتماعی خود می‌توانند پس از اخراج دخترانشان به نیجریه، از ختنه زنان محافظت کنند. صحت آنچه مادر متقاضی در مورد دختر بزرگش به او گفته بود نیز مشکوک بود (Judgment of the ECtHR of 17.05.2011). بدین ترتیب دادگاه این

^۱. Kalucza v. Hungary

^۲. Izevbekhai v. Ireland

درخواست را غیرقابل قبول تشخیص داد.

دومین مورد در این رابطه دعوای اتریش^۱ است. در این مورد نیز متقاضی با این ادعا که برای فرار از ختنه از نیجریه به اتریش آمده است، درخواست پناهندگی داد، اما این درخواست رد شد. او در دادگاه اروپایی حقوق بشر مدعی شد که در صورت تبعید به نیجریه، با خطر ختنه زنان روبه‌رو خواهد شد و در صورت رضایت ندادن به ختنه، کشته می‌شود و استدلال کرد که اگر اخراج شود، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض خواهد شد (Judgment of the ECtHR of 20/09/2011). با در نظر گرفتن تحصیلات و تجربه کاری متقاضی، دادگاه پرونده را غیرقابل قبول تشخیص داد. دادگاه عقیده داشت که او می‌تواند در برابر عمل مورد بحث مقاومت کند و به همین دلیل درخواست وی را رد کرد.

۴- تعهدات کشورهای عضو دیوان اروپایی حقوق بشر برای مبارزه با

خشونت خانگی علیه زنان

کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در راستای منع و جلوگیری از خشونت علیه زنان تعهدات بسیاری دارند که ملزم به اجرای آن‌ها هستند. این تعهدات در قالب تعهدات مثبت و منفی است که در جهت حمایت از حقوق زنان و حتی در موارد مشابه، حمایت از حقوق کودکان اعمال می‌شود. کشورهای عضو موظف‌اند همواره مناسب‌ترین اقدام را در جهت جلوگیری از خشونت علیه زنان و کودکان اتخاذ کنند. همچنین موظف‌اند آموزش‌های لازم را برای رفع تعصبات و شیوه‌های سنتی برخورد با زنان و کودکان صورت دهند. دولت‌های عضو موظف‌اند در زمانی که اقدامی علیه زنان صورت می‌گیرد، اقدامات لازم را جهت تحقیق، تعقیب، رسیدگی و مجازات مرتکبان خشونت علیه زنان طبق استانداردهای بین‌المللی صورت دهند. در شناسایی بزه‌های روانی علیه زنان هم باید اقداماتی انجام گردد و این امر را قاعده‌مند کنند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کشورهای عضو کنوانسیون را ملزم کرده است که در صورت بروز هرگونه اقدام علیه زنان، اقداماتی را در اسرع وقت و به شکل سریع صورت دهند تا هم از آلام بزه کاسته شود و هم از نابودی دلایل و مستندات جلوگیری گردد. همچنین این کنوانسیون کشورهای عضو را ملزم کرده است که جبران خسارت مؤثر برای قربانیان را

^۱. Omeredo v. Austria

در دستور کار قرار دهند و جبران خسارت را در جهت رفع آلام بزه صورت گرفته و در جهت حمایت از زنان مورد شناسایی قرار دهند.

۴-۱. تعهد به استماع دعاوی بدون توجه به جنبه‌های عمومی آن

در چارچوب تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مبارزه با خشونت علیه زنان، به‌طور کلی اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که آیا خشونت در فضای خصوصی رخ داده است یا در حوزه عمومی؛ به عبارت دیگر، چه مرتکب خشونت اشخاص حقوقی خصوصی باشند چه مقامات دولتی، کشورهای عضو موظف به مبارزه با این خشونت هستند. منشأ الزام به مبارزه با خشونت ناشی از اشخاص حقوقی خصوصی تعهدات اعطایی کشورهای عضو در چارچوب کنوانسیون حقوق بشر اروپایی و قابلیت اجرایی بودن احکام کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در کلیه مراحل مبارزه با اقدامات خشونت‌آمیز علیه زنان است (Arslan öncü, 2011, pp.47-57)؛ بنابراین مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان به‌عنوان یک تعهد برای کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از طریق تعهدات اعطایی در زمان عضویت مطرح شده است (تقوی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶).

تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپا در مورد خشونت خانگی علیه زنان که در بالا نمونه‌هایی از آن را بیان کردیم نیز بیانگر همین موضوع است. در تمامی این تصمیمات، مرتکب خشونت اشخاص حقوقی خصوصی هستند و با وجود این، دادگاه حقوق بشر اروپا کشورهای عضو مربوطه را مسئول اعمال خشونت خانگی علیه زنان دانسته است؛ در انجام این کار هم بر تعهدات کشورهای متعاقد در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تکیه شده است (Arslan öncü, 2011, pp.47-48). به بیانی دقیق‌تر، تعهدات مندرج در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که عمدتاً در موارد خشونت خانگی علیه زنان اعمال می‌شود، اساساً تعهدات منفی هستند، چراکه با اعمال این تعهدات منفی، کشورهای عضو مسئول نقض حقوق بین اشخاص حقوقی خصوصی هستند. در کنار آن، کشورهای عضو تعهدات مثبتی نیز در چارچوب مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارند که از دیگر حقوق مثبتی بر موارد خشونت علیه زنان است. در رابطه با کودکان و سایر دسته‌های قربانیان و البته زنان قربانی خشونت خانگی، دولت‌های عضو موظف به ارائه حمایت مؤثر بر اساس مواد ۲، ۳ و ۸ کنوانسیون

اروپایی حقوق بشر هستند.

۴-۲. تعهد به اتخاذ مناسب‌ترین اقدام

در چارچوب کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، کشورهای عضو در تعیین مناسب‌ترین اقدامات یا ابزار برای مبارزه با خشونت علیه زنان، دارای حاشیه‌ای از قدرت و اختیار هستند و می‌توانند در جهت مبارزه با خشونت علیه زنان هرگونه اقدامی را که مناسب تشخیص می‌دهند، در چارچوب استانداردهای اتحادیه اروپا اتخاذ کنند. نقش دادگاه اروپایی حقوق بشر در این زمینه نظارت بر انطباق اقدامات اتخاذ شده توسط دولت‌های عضو در جهت مقابله با خشونت علیه زنان است (Decision of the ECtHR of 18 September 2012, 48). در حالی که در سیستم حقوق بشر اروپا، ابزارهای دولت‌های عضو برای مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان در چارچوب تعهدات مثبت آن‌ها ذکر شده است، در سیستم سازمان ملل متحد این موارد به‌عنوان استانداردهای ارزیابی و راستی‌آزمایی توصیف شده است (Arslan öncü, 2018, p.23). هم تعهدات مثبت و هم تعهدات ارزیابی و راستی‌آزمایی، تعهداتی را به کشورهای عضو برای جلوگیری، تحقیق، تعقیب و مجازات خشونت علیه زنان و ارائه غرامت به قربانیان تحمیل می‌کند.

۴-۳. تعهد به آموزش در راستای رفع تعصبات و سنت‌ها

در چارچوب الزام به پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان، انجام همه اقدامات مقتضی توسط دولت‌ها به‌ویژه در زمینه آموزش برای رفع تعصبات و شیوه‌های سنتی در مورد نابرابری بین زنان و مردان یک ضرورت است. در موارد خشونت علیه زنان که در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح می‌شود، برخلاف کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، این دادگاه عموماً در مورد دلایل وقوع خشونت مورد بحث و اقدامات برای از بین بردن این علل سکوت می‌کند. (Arslan öncü, 2018, p.24)؛ به‌عنوان مثال، بحث پیشگیری و علل خشونت در دعوای ترکیه (در قسمت قبل توضیح داده شده) تا حدودی عجیب و غریب باقی مانده و دلیل این امر آن است که دادگاه حقوق بشر اروپا بر اساس داده‌های آماری ارائه شده به آن، تبعیض حاکم بر قوه قضاییه در مورد خشونت علیه زنان در ترکیه را مشخص کرده و به هیچ‌عنوان به اصل موضوع و اینکه به چه علت چنین خشونت‌های اتفاق افتاده و آیا دولت در قبال پیشگیری آن اقداماتی انجام داده یا نه

نپرداخته و این موارد کاملاً مسکوت مانده است؛ بنابراین در رابطه با الزام به پیشگیری از خشونت خانگی در رویه قضایی، دیوان حقوق بشر اروپایی موردی برای ارائه ندارد و برای رفع این اشکال، به توصیه‌های کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و کنوانسیون‌های مشابه مراجعه می‌کند.

۴-۴. الزام به تحقیق، تعقیب، رسیدگی و مجازات (به صورت سریع)

در راستای الزام به تحقیق، تعقیب، رسیدگی و مجازات مرتکبان خشونت خانگی علیه زنان بر اساس کنوانسیون حقوق بشر اروپا، کشورهای عضو موظف به ایجاد و اجرای یک چارچوب قانونی برای حفاظت از تمامیت جسمی و روانی افراد در برابر دیگران هستند. در این زمینه اهمیت مکانیسم‌های حقوق کیفری مؤثر به عنوان ابزار بازدارنده در مبارزه با خشونت علیه زنان را نمی‌توان انکار کرد (Decision of the ECtHR of 29 May 2012, p.58)؛ بنابراین مکانیسم‌های تعقیب، رسیدگی و مجازات نه تنها برای خشونت فیزیکی، بلکه برای موارد خشونت روانی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در سیستم کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، دادگاه اروپایی حقوق بشر اذعان می‌کند که کشورهای عضو در تعیین ابزارهای مبارزه با خشونت علیه زنان دارای اختیار هستند؛ همچنین توجه دولت‌های عضو را به ضرورت اقدام سریع در مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان جلب می‌کند. به طور کلی در صورت بروز خشونت خانگی، پاسخ فوری مقامات در زمینه الزام به تحقیق و پیگرد اهمیت بسیاری دارد. در این راستا به عنوان نمونه در دعوای بریتانیا^۱، متقاضی ادعا کرد که توسط شوهرش مورد خشونت قرار گرفته است. دادگاه اروپایی حقوق بشر خاطرنشان کرد که متقاضی ادعا می‌کند که سال‌ها مورد خشونت شوهرش قرار گرفته، اما تنها یک مورد خشونت را به مقامات ارائه کرده است. مقامات بریتانیا بلافاصله موضوع را بررسی کردند و شوهر متقاضی را دستگیر و مجازات نمودند. دادگاه تصمیم گرفت که در پرونده مطروحه، مقامات بریتانیا برخلاف تعهدات خود طبق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر عمل نکرده‌اند و مسئول نیستند (Decision of the ECtHR of 23 October 2012, pp.48-53). در واقع مقامات بریتانیا چون با اولین شکایت فوری وارد عمل شدند و اقدامات مقتضی را انجام دادند، مسئول

^۱. Irene Wilson v. the United Kingdom

شناخته نشدند.

در زمینه الزام به مجازات قابل ذکر است که بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، افراد حق ندارند پرونده جنایی و صدور حکم محکومیت علیه شخص ثالث را از دیوان تقاضا کنند؛ به عبارت دیگر، دیوان به جنبه‌های کیفری توجه نمی‌کند و اگر دعوای کیفری علیه شخص ثالث در دیوان حقوق بشر اروپا مطرح شود، دعوا رد خواهد شد. در موارد خشونت علیه زنان، دادگاه اروپایی حقوق بشر بررسی می‌کند که آیا حمایت دولت عضو از قربانی عموماً مؤثر بوده یا نه. به‌عنوان نمونه، در دعوای اسلواکی که جزئیات آن در بالا ذکر شده است، دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که حق محکومیت شخص ثالث وجود ندارد (Decision of the ECtHR of 29 May 2012, pp.4-18, 55, 83-87). در واقع دیوان صرفاً به این موضوع که آیا دولت تعهداتش را در چارچوب کنوانسیون در جهت حمایت از قربانی خشونت خانگی انجام داده است یا نه رسیدگی می‌کند.

۴-۵. تعهد به جبران خسارت

آخرین رکن از تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در چارچوب مبارزه با خشونت علیه زنان ارائه جبران خسارت مؤثر به قربانیان خشونت است. الزام به جبران خسارت در سایر متون حقوق بشر فراملی در موضوع خشونت علیه زنان مورد شناسایی قرار گرفته است (General Recommendation No. 19, 24). به‌عنوان مثال، در توصیه عمومی شماره ۱۹ کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ذکر شده است که باید در صورت وقوع خشونت علیه زنان و تشخیص خسارت، جبران خسارت و پرداخت غرامت مورد حکم قرار گیرد. توصیه عمومی شماره ۱۹ به اقدامات قانونی مؤثر از جمله مقررات جبران خسارت پرداخته است. در سیستم حقوق بشر اروپایی در دعوای اسلواکی (قبلاً توضیح داده شده است)، دادگاه حقوق بشر اروپا رأی داد که ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر اروپا که حق استفاده از راه حل مؤثر داخلی را تنظیم می‌کند، در ارتباط با ماده ۲ که حق حیات را تنظیم می‌کند، نقض شده است (Judgment of the ECtHR of 31 May 2007). همچنین در این رأی مورد دیگری که دادگاه حقوق بشر نقض مواد ۳ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را تشخیص داده این است که جبران خسارت کافی برای قربانیان ارائه نشده است (goldscheid, 2006, p.395). لذا با این رأی به بحث پرداخت غرامت و جبران خسارت

وارد شده است.

نتیجه

خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر است و تنها زمانی می‌توان راه‌حلی برای آن یافت که حقوق زنان به‌طور عام و خشونت علیه زنان به‌طور خاص همراه با برابری جنسیتی و منع تبعیض در نظر گرفته شود. کنوانسیون حقوق بشر اروپا از منظر حقوق زنان تهیه نشده و یک کنوانسیون بی‌طرف از جنسیت است، اما دادگاه حقوق بشر اروپا در احکام مختلف به پدیده خشونت علیه زنان به‌ویژه خشونت خانگی به‌عنوان نقض حقوق بشر توجه کرده است.

در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد خشونت علیه زنان، پارامترهای برابری زن و مرد، عدم تبعیض و حقوق بشر زنان به اندازه کافی مورد تأکید قرار نگرفته است. علاوه بر این، اهمیت عوامل اقتصادی و اجتماعی در مبارزه با خشونت علیه زنان غیرقابل انکار است؛ بنابراین مفهوم‌سازی خشونت علیه زنان باید به شکل جامع و مؤثر باشد. با این حال، در این مرحله تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپایی در مورد خشونت خانگی علیه زنان همچنان ضعیف است. توصیه‌های عمومی کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و استانداردهایی که با تصمیمات خود در مورد درخواست‌های شکایت فردی ایجاد کرده، راهنمای دادگاه حقوق بشر اروپایی در این موارد است. با توجه به وضعیت آسیب‌پذیر قربانیان خشونت خانگی، تأکید رویه قضایی دادگاه حقوق بشر اروپا بر الزام دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق بشر در مورد احتیاط و مراقبت بیشتر در موارد خشونت بسیار قابل توجه است. مبارزه با خشونت علیه زنان به عرصه‌ای تبدیل شده است که در آن، تمایز بین حوزه خصوصی و عمومی برطرف شده و به موازات این، دادگاه حقوق بشر اروپا در تعیین مسئولیت دولت‌های عضو در موارد خشونت مربوط به اشخاص حقوق خصوصی تردیدی ندارد و آن را در چارچوب تعهدات مثبت کشورهای عضو بررسی می‌کند.

برای مبارزه و رفع خشونت خانگی علیه زنان باید علل و پیامدهای خشونت نیز به‌خوبی تحلیل شود؛ بنابراین تلاش برای مبارزه با خشونت علیه زنان تنها در چارچوب نظم و انضباط قانون و به‌ویژه اصلاح قوانین جزایی ناقص و یا تصویب قوانین جزایی کارآمد خواهد بود. روش مبارزه با خشونت علیه زنان باید با توجه به موقعیت فرعی زنان

در نظام مردسالار و اینکه خشونت علیه زنان نتیجه تبعیض جنسیتی است که ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را شکل می‌دهد، تعیین شود. ایجاد یک سیستم عدالت کیفری با حساسیت جنسیتی، آموزش اعضای قوه قضاییه و مجریان قانون برای پیشگیری از خشونت علیه زنان و جلوگیری از قربانی شدن مجدد زنان قربانی خشونت ضروری است.

وقتی تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپایی در مورد خشونت علیه زنان بررسی می‌شود، می‌توان مشاهده کرد که این دادگاه در شناسایی علل خشونت ناتوان است. به‌ویژه در مقایسه با تصمیمات کمیته رفع هرگونه خشونت علیه زنان، مشاهده می‌شود که دادگاه حقوق بشر اروپا به اندازه کافی بر الزام به جلوگیری از خشونت در تصمیمات خود تأکید نمی‌کند. از سوی دیگر، تصویب کنوانسیون استانبول که به حذف خشونت علیه زنان اختصاص دارد، گام فوق‌العاده مهمی است، اما فقدان سند الزام‌آور اختصاصی به این موضوع در سطح بین‌المللی احساس می‌شود و اگرچه سعی شده است با دو توصیه کلی کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان این کمبود برطرف شود، با توجه به داغ بودن موضوع، تصویب یک کنوانسیون بین‌المللی در مورد خشونت علیه زنان یا افزودن پروتکلی برای تنظیم این موضوع قابل تأمل به نظر می‌رسد.

با توجه به نتایجی که از مطالعات به‌دست‌آمده، مشخص شد که دیوان بدون توجه به چگونگی اعمال این خشونت‌ها، به تعهدات دولت‌ها در راستای ایجاد شرایطی مناسب جهت پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی و حمایت از قربانیان خشونت توجه ویژه‌ای داشته و در صورت احراز آن‌ها، دولت‌ها را محکوم می‌کند.

در بُعد بین‌المللی، مبارزه با خشونت به‌طورکلی و خشونت علیه زنان نیازمند تشریح مساعی و همکاری همه‌جانبه اعضای جامعه بین‌الملل است، به‌طوری که باید سخنگیری‌های بسیار شدیدی بر مرتکبان چنین خشونت‌هایی اعمال شود. به‌خصوص در این رابطه نقش دیوان بین‌المللی دادگستری و دادستانی آن بسیار اهمیت دارد که اقدامات لازم را برای تشکیل دادگاه‌های موردی به‌خصوص پس از مخاصمات داخلی و بین‌المللی فراهم آورد. همچنین پیشنهاد می‌شود حقوق بشر و مسائلی که به موضوعات جنسیتی مربوط می‌شود، در کلیه مقاطع تحصیلی مورد توجه و تدریس قرار بگیرد، چراکه زمانی می‌توان علل وقوع خشونت را کاهش داد که آموزش صحیح راجع به آن صورت گیرد و همگان با حقوق خود آشنا شوند.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

۱. اشراقی، محمد؛ نگاهی جامعه‌شناختی به خشونت علیه زنان، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۴، ۱۳۸۵.
۲. اعزازی، شهلا؛ ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، رفاه اجتماعی، شماره ۱۴، صص ۹۶-۵۹، ۱۳۸۳.
۳. تقوی، سید محمدعلی؛ رژیم حقوق بشر در اتحادیه اروپایی، عدم شمولیت و یکپارچگی، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۹۲.
۴. سالاری فر، محمدرضا؛ تبیین علل و زمینه‌های خشونت خانگی، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال ۳، شماره ۳، صص ۴۱-۷، ۱۳۸۸.
۵. _____؛ خشونت خانگی علیه زنان، بررسی علل و درمان، تهران، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۹.
۶. صادقی فسایی، سهیلا، خشونت‌های خانوادگی و استراتژی زنان در مواجهه با آن، بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱، صص ۱۴۲-۱۰۷، ۱۳۸۹.
۷. صفاری نیا، مهرزاد، نظام حقوق بشر اتحادیه اروپا در تعاملات فراملی از نظر تا عمل، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۳، صص ۸۷۹-۸۵۹، ۱۳۹۸.

ب - منابع لاتین

1. Arslan Öncü, Gülay, Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesinde Özel Yaşamın Korunması Hakkı, Beta, İstanbul, 2011.
2. Arslan Öncü, Gülay, (2011), Ulusalüstü İnsan Hakları Hukukunda Soruşturma Usulü, MHB, Yıl 31, Sayı 1, s. 29-90, 2011.
3. Arslan Öncü, Gülay, Avrupa İnsan Hakları Sözleşmesinde Kadına Karşı Aile İçi Şiddet Olgusu ve Bununla Mücadele Araçları, Public and Private International Law Bullten, Vol 32, Issue 2, 1-37, 2018.
4. Aydın v. Turkey, (App. No. 23178/94), Judgment of the ECtHR of 23 September 1997.
5. Branko Tomasic and Others v. Croatia, (App. No. 46598/06), Judgment of the ECtHR of 15 January 2009.

6. CEDAW General Recommendation No. 21: "Equality in marriage and family relations", 04/02/1994.
7. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 18/12/1979.
8. Croatia, (App. No. 55164/08), Judgment of the ECtHR of 14.10.2010.
9. E.S. and Others v. Slovakia, (App. No. 8227/04), Judgment of the ECtHR of 15.09.2009.
10. Ending Violence against Women from Words to Action, Study of the Secretary- General of the United Nations, United Nations Publication, and Sales No. E.06.IV.8, 2006.
11. Freeman, Marsha A., Chinkin, Christine, Rudolf, Beate, The UN Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women- A Commentary, Oxford University Press, 2012.
12. General Recommendation No.14: Female circumcision, Ninth Session, 1990, (A/45/38).
13. General Recommendation No.19: Violence against women, 11th Session, 1992.
14. Goldscheid, Julie, Domestic and Sexual Violence as Sex Discrimination: Comparing American and International Approaches, Thomas Jefferson Law Review, Vol. 28, s. 355-398, 2006.
15. Hajduova v. Slovakia, (App. No. 2660/03), Judgment of the ECtHR of 30 November 2010.
16. Irene Wilson v. the United Kingdom, (App. No. 10601/09), Decision of the ECtHR of 23 October 2012.
17. Meyersfeld, Bonita, Domestic Violence and International Law, Hart Publishing, 2010.
18. Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences, Ms. Radhika Coomaraswamy, submitted in accordance with Commission on Human Rights resolution 1995/85, E/CN.4/1996/53.
19. Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences, Yakin Ertürk, 15 Years of the United Nations Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences (1994-2009)- A Critical Review, A/HRC/11/6/Add.5, 27 May 2009.
20. THOMAS, Dorothy, BEASLEY, Michele, Domestic Violence as a Human Rights Issue, Albany Law Review, Vol. 58, s.1119-1147, 1995.

